



انترناسیونال

۱۷۲

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

جمعه ۸ دی ۱۳۸۵ ، ۲۹ دسامبر ۲۰۰۶

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی

فقر و فلاکت، دیگر بسی است!

به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید

امید رهایی - ایران



صفحه ۴



خلیل کیوان

از سازمانهای دیگر، دانشجویان دانشگاه های ایتالیا، پنجشنبه ۱۴ دسامبر با برپائی تظاهراتی تحت نام "همه با هم، با دانشجویان ایران" حمایت خود را از مبارزات دانشجویان اعلام کردند. این دو واقعه ای مهم در رابطه با حمایت از

صفحه ۳

کارهای زیادی در پیش داریم!

این همبستگی جهانی باید گسترش یابد

در جریان ۱۶ آذر، شاهد حمایت دانشجویان در کشورهای آلمان و ایتالیا از مبارزات دانشجویان ایران بودیم. پیشتر نیز بارها حمایت دانشجویان کشورهای مختلف از مبارزات دانشجویان در ایران را شاهد بوده ایم اما، این دو نمونه متفاوت ترند. این دو حرکت هم از لحاظ مضمون و هم از نظر شکل نشان دادند که حمایت از مبارزات دانشجویان ایران میتواند رادیکال تر بشود و به خیابانها نیز کشیده شود. همانطور که در زمینه های دیگر از جمله در مورد حمایت از مبارزات

انترناسیونال

۱۷۲ ضمیمه

بزودی منتشر میشود

موضوع:

فراکسیون در حزب
کمونیست کارگری



سعید پرتو

دیگران، روز مرگش مصادف شد با روز زندگی برای دیگران! مرگ پینوشه در سالی رخ داد که سال بقدرت رسیدن احزاب چپ در آمریکای لاتین و منجمله شیلی بود که اصطلاحا به آن "Pink Tide" گفته میشود. این چرخش به چپ در پی ۳ دهه حکمرانی حکومتهای دیکتاتوری / نظامی و قتل عام مخالفین علی الخصوص کمونیستها ، ۳ دهه تحمیل قوانین

صفحه ۴

چرخش به چپ در آمریکای لاتین!

۱۰ دسامبر روزین المللی حقوق بشر بود. هر ساله این روز بعنوان روز برسمیت شناختن حقوق برابر انسانها، روز اعتراض به بی عدالتی، زندان، شکنجه و اعدام جشن گرفته میشود. امسال روز بین المللی حقوق بشر روز مرگ پینوشه دیکتاتور سابق شیلی، یکی از سردمداران پایمال کردن حقوق بشر نیز بود. بحق که پینوشه بهترین روز را برای مردن انتخاب کرد. روزهای زندگیش مصادف بود با مرگ

وزن طبقه کارگر در تحولات

سیاسی را با اقتصادیات

نمیتوان سنجید

پاسخ حمید تقوائی

به یک سؤال در برنامه هفتگی در اینترنت

صفحه ۲

انجمن مارکس کانادا

یکشنبه ۷ ژانویه

حزب و حزبیت

سخنران

حمید تقوائی

صفحه ۳

یک دنیای بهتر

برنامه حزب کمونیست کارگری را

بخوانید

به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

وزن طبقه کارگر در تحولات سیاسی را با اقتصادیات نمیتوان سنجید

از میان سئوالات در جلسه اینترنتی هفتگی حمید تقوائی این جلسه هر هفته روزهای چهارشنبه در اینترنت برگزار میشود و از تلویزیون کانال جدید پخش میشود

صادق: با سلام خدمت تمام دوستان حاضر در اتاق و خسته نباشید به سخنران محترم. دوستان من ادامه صحبت‌های هفته قبل را میکنم که بدلیل کمبود وقت نیمه کاره ماند.

ببینید ضربه خوردن بقول شما ننو کسنسرواتیه‌ها و بقول من ننومرکاتلیستها چطور امکان دارد وقتی که کارگرها از بین میروند و وقتی هم که کارگر نباشد بقول ضرب المثل ارتجاعی ایرانی "چو دستت نمیرسد به بی بی دریاب کنیز مطیخی را"، چطوری اینها از بین میروند؟ چطوری سال ۲۰۰۷ میتواند سال جمع شدن حول پرچم سوسیالیسم در ایران باشد؟ وقتی کارگران آمریکای شمالی و کارگران اروپایی برندی میخورند که تا سال ۲۰۰۹ و ۲۰۱۱ در مکزیک و اروپا اخراج نمی شوند ولی تن به شدت کار میدهند، تن به پایین آمدن دستمزدهای واقعیشان میدهند. بقول مارکس شعار دادن یعنی عمل نکردن. دوستان عزیز، اگر آدام اسمیت اشتباه بزرگی میکرد و مبادله را می دید ولی روابط تولیدی را نمی دید، به این دلیل بود که میخواست عیبها و بحرانهای سرمایه رو بپوشاند و نتیجتا بچه های شیکاگو برهبری آقای فریدمن در دنیا حاصل کارشان شیلی بود و آرژانتین، امروز امثال ایران و عراق و تمام جهان، داریم می بینیم. اگر ریکاردو محصولش کینز بود اینها مبادله را می دیدند ولی روابط تولیدی را که نمی دیدند... قبل از مبادله چیزی باید باشد که مبادله انجام بگیرد یا نه؟ باید تولیدی صورت بگیرد و محصول به کالا تبدیل بشود یا نه؟ پس تولید که همه چیز را بیان میکند، توزیع، مصرف، گردش و همه چیز را، آیا فرهنگ و اخلاق را نمی سازد؟

... پس نتیجتا تا زمانی که ما طبقه کارگری نداشته باشیم، نه جلوی بمب اتمی را میگیریم و سرمایه ها در کنار هم در زیر سایه دعوی قدرت برای کسب ارزش اضافی ادامه دارد، یا بصورت سیاسی و یا بصورت جنگ که دنباله همان است برای ارزش اضافی و رانتهای سرمایه. تا زمانیکه طبقه کارگری نباشد تمام اینها امکان پذیر است. از آزادی هیچ خبری نیست، از انارشسیسم یعنی

آزادی خبری نیست که راه گشایی کمونیزم است. پس نتیجتا باید طبقه کارگر را متشکل کرد. در غیر اینصورت همه چیز بجز شعار چیزی بیش نیست. تا طبقه کارگر بصورت طبقه، با دانش طبقاتیش نباشد، سرمایه و طبقات ادامه دارد، استثمار ادامه دارد... ما باید ادبیات و فرهنگ کارگری را توسعه بدیم نه بورژوازی را. با تشکر از وقتی که به من دادید. موفق و پیروز باشید.

حمید تقوائی: بله، این دوستان هفته گذشته هم بحثی را در همین زمینه مطرح کردند و این هفته صحبتشان را ادامه دادند. من هفته قبل فرصت زیادی نداشتم که کامل جواب بدهم ولی این بار مشروح تر جواب خواهم داد. ولی در هر حال وقت محدود است و من نمیتوانم وارد جزئیات بشوم. اولین انتقاد من به بحثی که این دوستان می کنند اینست که بحث ایشان روی متدولوژی صحیحی نیست. به این علت که اقتصاد را مستقیما وصل میکنند به سیاست. از ریکاردو، آدام اسمیت و غیره صحبت میکنند. از این که بالاخره طبقه کارگر باید وجود داشته باشد و طوری صحبت میکنند که گویا ما طبقه کارگری نداریم. میگویند ما باید بالاخره باید طبقه کارگری داشته باشیم تا بتوانیم جلوی سلاحهای هسته ای و غیره را بگیریم. من نمی دانم تحلیلشان چیست. گویا ما در ایران طبقه کارگری نداریم و یا چون بیکاری و فشار بر کارگران هست دیگر طبقه کارگری نیست! بدیهی است که از نظر اجتماعی و سیاسی در جامعه ایران و در خیلی از جوامع دنیا، تقریبا در همه جا، بروشنی میشود دید و گفت مبارزه اساسا بین دو طبقه، طبقه سرمایه دار و طبقه کارگر است و همه کشمکشهایی که در همین چند دهه اخیر در حکومت جمهوری اسلامی دیده میشود، بروشنی میتوان دید که دعوا اینجاست. نفس اینکه به ضد انقلاب اسلامی زمینه دادند که بیاید و

انقلاب ۵۷ را شکست دهد بدلیل ترس از قدرت گیری چپ و طبقه کارگر بود. تا به امروز هم بر سر مسئله ای مثل آزادی، مثل مسئله جدایی مذهب از دولت، مثل اعدام، حقوق زنان، مبارزه با حجاب، مبارزه با قصاص، علاوه بر و جدا از مبارزه مستقیم خود طبقه کارگر، این تاثیر چپ و طبقه کارگر را میبینید. طبقه کارگر وسیعترین اعتصابات را در ایران انجام داده است، اما در یک سطح وسیع و در کل جامعه هم این را میبینید که از زاویه طبقه کارگر و نقد طبقاتی طبقه کارگر است که جمهوری اسلامی مورد تعرض قرار می گیرد و گرنه خرده بورژواها، احزاب و جنبشهای میانی، جنبش راست که آن هم در اپوزیسیون است، جنبش ملی اسلامی و جنبش اسلامیون کلا، اسلامیون اپوزیسیون، اینها بهیچ وجه در برابر حکومت نبوده و چیزی را به چالش نکشیده و چلنج نکرده اند بلکه خودشان جزو زائده های این حکومت بوده اند. اگر چیزی زمین را زیر پای حکومت اسلامی داغ کرده از نظر اجتماعی جنبش کارگری بوده است و در سطح سیاسی نیز خواستها و شعارهای کارگری، در عرصه آزادی ها، در عرصه حقوق مردم، حتی در عرصه دفاع از حقوق کودک در جامعه روبه گسترش است.

دوستان این سوال را مطرح میکنند که وقتی که طبقه کارگر در حال از بین رفتن است چطور امکان این است که سال بعد سال مبارزات چپ تر و سوسیالیستی تر باشد؟ از بین رفتن طبقه کارگر یعنی چه؟ اگر طبقه کارگر در حال از بین رفتن است پس این همه اعتصابات وسیع از کجا و چطور است که شکل می گیرند؟ بطوری که حتی خود پادوهای رژیم و خود دست اندرکاران حکومت ناگزیرند بگویند که دیگر با مجوز و بدون مجوز کارگران اعتصاب کرده و اعتراض می کنند و ما قادر به کنترل آن نیستیم. همین یکی دو ماهه گذشته این را نیز در مجلس اسلامیشان گفتند و بارها به این

اعتراف کرده اند. اگر طبقه کارگر در حال از بین رفتن است، پس این اعتصابات از کجا شکل می گیرند؟ این مساله، این مشاهده که طبقه کارگر دارد از بین می رود غلط است. اگر منظور این است که طبقه کارگر تحت فشار است، تحت فشار اقتصادی است، تحت فشار اجتماعی است، تحت فشار بیکاریست، خوب اینها هستند ولی مهم اینست که طبقه کارگر تسلیم این فشارها نشده و اعتصابات وسیعی برآه انداخته است.

دیدگاهی که وارد سیاست و جنبشها نمی شود یک دیدگاه آنارکو سندیالیستی است. اقتصاد تعیین کننده سیاست است ولی نه بلاواسطه. از طریق جنبشهای اجتماعی، از طریق احزاب، از طریق مبارزه و نبرد در عرصه سیاست. کسی که به تحولات و اتفاقات جامعه ایران در سال گذشته رجوع کند، از اول ماه مه گرفته تا ۸ مارس و ۱۶ آذر و روز جهانی کودک و شورشهای شهری و غیره، و نگاهی مروری بکند فقط به شعارها، مطالبات، بیانیه ها، قطعنامه ها، و حتی سرودهایی که خوانده شد و گفته شد و اعلام شد، تصویری جز این نمی بیند که چپ در حال تعرض است و آن هم با شعار مستقیم سوسیالیسم، سوسیالیسم پیا خیز برای رفع تبعیض، با سرود انترناسیونال، با قطعنامه و بیانیه هایی که میگوید یک نژاد، نژاد انسانی، که میگوید باید این دنیای وارونه را تغیر داد، با قطعنامه ها و بیانیه هایی که میگوید پایه همه چیز سرمایه است. در اول ماه می کارگران این را علنا میگویند، مینویسند، بیانیه میدهند، و قطعنامه صادر می کنند. اگر این تعرض چپ نیست پس چیست؟ اگر این حضور چپ در سیاست نیست پس چیست؟ بنظرم یک دگم گرایی اقتصادی است که میگوید چون اقتصاد نشان میدهد که طبقه کارگر از نظر اقتصادی تحت فشار است بنابراین اینها قبول نیست. بنا براین در سیاست اینها را نباید به حساب

پیشروی چپ گذاشت. خود دشمن، خود بورژوازی این را فهمیده. خود جمهوری اسلامی دارد میگوید شبح لنین در دانشگاهها هست، در میان جوانها هست. خود جمهوری اسلامی میگوید جلوی کارگرها را دیگر نمیشود گرفت. با مجوز، بدون مجوز اعتصاب میکنند و بعد هشدار میدهد میگوید این اعتصابات بر علیه اسلام است و ما باید اسلام را نجات بدهیم. تو خود آخوندها وقتی کسانی پیدا میشوند و با همین منطق میگویند اسلام باید از دولت جدا بشود و به یکدیگر هشدار میدهند که مردم هجوم می آورند و از اسلام چیزی نمیمانند، وقتی در خود حکومت یک جناحی درست شده است که امرش نجات اسلام از زیر دست و پای تعرض چپ است. آنوقت در این شرایط ما بیاییم با رجوع به ریکاردو و آدام اسمیت بگویم که چپ در ایران شانس ندارد!

به نظرم این ندیدن مبارزه طبقاتی است. یا یک تعبیر اقتصادی دگم از مبارزه طبقاتی است. ندیدن سیاست است. ندیدن عرصه مبارزه بر سر قدرت سیاسی است. این عرصه باز شده بروی کارگران، بروی مردمی که دارند می پیوندند به صفوف کارگر. دارند این شعارها را میدهند. این را اگر کسی نبیند به نظر من پیشرویهایی چپ را ندیده است و در نتیجه اتفاقا این تعبیر است که به تثبیت قدرت جمهوری اسلامی و بورژوازی در عرصه سیاست منجر خواهد شد. همیشه تعبیرهای اکونومیستی از سیاست آتش به آسیاب بورژوازی ریخته و به نفع آنها تمام شده است. علیرغم هر نیتی که در سر داشته باشید این نوع تحلیلها فقط میتواند بورژوازی را تقویت کند. تحلیلهای اکونومیستی ای که میگوید "چون از نظر اقتصادی طبقه کارگر وضع خراب است و یا از بین می رود یا بیکار است و غیره، بنا بر این حالا حالاها از سوسیالیسم نمیشود حرف زد و یا چون در سطح جهانی مثلا در آمریکای لاتین چنین است و چنان است و سرمایه داری بازار جهانی دارد ابرقدرتی میکند بنابراین حرفی از سوسیالیسم نمیشود زد." من این تبیین را قبول

از صفحه ۲ وزن طبقه کارگر ...

ندارم. این تبیین دست کارگرا را از پشت میبندد و به همین خاطر باید نقد و طرد شود.

یک نکته دیگر هم اینجا بگویم. من این بحث را جاهای دیگر هم شنیده ام. این سوسیالیسمی که در جامعه گفته میشود، این سوسیالیسم از کجا معلوم سوسیالیسم مارکسی باشد؟ این سوال ذهنی و ناموجه ای است. مردم وقتی میگویند زنده باد سوسیالیسم به تئوری راه رشد غیر سرمایه داری رجوع نمیکنند.

سوسیالیسم چینی و ویتنامی هم منظورشان نیست. ممکن است تئوری را ندانند و ۹۹ درصد مردم این تئوریا را نمیدانند و لزومی هم نیست بدانند. مردم با دیدن اینکه سوسیالیسم راه رهاییشان است انقلاب میکنند. مردمی که شعار میدهند. لاقول آن پیشروان مردم که شعار دادند در سالهای گذشته سوسیالیسم بیا خیز برای رفع تبعیض، آنهایی که در شورشهای شهرهای کردستان در سال گذشته شعار دادند سوسیالیسم تنها راه رهایی و آنهایی که در ۱۶ آذر امسال نوشتند یا سوسیالیسم یا بربریت منظورشان نبود که راه رشد غیر سرمایه داری یا بربریت، یا سوسیالیسم بروایت مائو یا بربریت، منظورشان سوسیالیسم آزادیخواه و برابری طلبانه بود. سوسیالیسمی که آمال انسانی کارگران و زحمکشان و مردم شریف را بیان میکند. وقتی

چپ در ایران با حزب کمونیست کارگری تداعی میشود و نتیجه این فعالیت است. این هم بخش دیگری از آن نبرد طبقاتی و نبرد سیاسی است که باید دید. سیاست را باید با سیاست جواب داد. سیاست بورژوازی را نمیشود با رجوع به ریکاردو و آدام اسمیت جواب داد. یا با رجوع به کاپیتال. باید با رجوع به مانیفست، با رجوع به لنینیسم، با رجوع به تعبیرهای سیاسی مارکسیستی و با رجوع به بخصوص مستدلوزی مارکسیستی به جنگ این بورژوازی رفت. و این میدان جنگ میدان سیاسی است. اقتصاد تا آنجاییکه به این سیاستها شکل میدهد نقش خود را ایفا کرده است. الان باز با نقب زدن به اقتصاد و بدون واسطه شرایط اقتصادی را وارد سیاست کردن به نظر من یک خطاست و طبقه کارگر را در عرصه سیاست خلع سلاح میکند. و اجازه نمیدهد پیشرویهای تانکونیش را ببیند و به آنها متکی بشود و برود در صحنه سیاسی عرض اندام کند. این اتفاق میتواند بیافتد به اعتبار اعتراضات چپی که در جامعه هست و نه به اعتبار اقتصادیات. به اعتبار معیارهای سیاسی است که چپ دارد در جامعه تقویت میشود، جنبش سرنگونی دارد به چپ میچرخد و این زمینه را فراهم میکند برای اینکه یک انقلاب سوسیالیستی در ایران داشته باشیم و با تمام توان خود این انقلاب را سازمان بدهیم و به پیش ببریم. *

از صفحه ۱ کارهای زیادی در پیش ...

سیاسی همه جای جهان را نا امن کرده اند.

مردم ایران رویاروی مقتدرترین دولت اسلام سیاسی قرار گرفته اند. از اینرو، نه فقط برای خلاصی از شر آن و آزادی خود، بلکه با بزیر کشیدن آن بطور قطع خدمت بزرگی به بشریت خواهند کرد. لذا مبارزه مردم ایران برای خلاصی از شر اسلام سیاسی شایسته بیشترین حمایت ها در سطح بین المللی است. حزب ما ساهاست که برای جلب حمایت بین المللی از مبارزات مردم ایران تلاش شبانه روزی و گسترده ای داشته است. انعکاس حقایق سیاسی در ایران و جلب حمایت از مبارزات کارگری، علیه آپارتاید جنسی، برای آزادی زندانیان سیاسی، علیه اعدام ها و سنگسار ها و حمایت از مبارزات دانشجویان و مبارزه علیه خلاصی از سلطه مذهب و غیره و غیره همواره امر ما بوده است. تشکیلات حزب در خارج میتواند و باید برای به میدان کشیدن این نیروی عظیم در حمایت از مردم ایران تلاش گسترده ای را در همه جا در دستور بگذارد. اوضاع سیاسی ایران بسمت تحولات عظیمی گام برمیدارد. انقلاب رهاییبخش سوسیالیستی در ایران با برافراشتن پرچم سرخ آزادی برابری و پرچم سوسیالیسم یا بربریت در دانشگاه و با اعلام راه حل سوسیالیسم است در اجتماع سه هزار نفره مراسم پوینده و مختاری و طنبن سرود انترناسیونال در مراسم های اول مه و در اجتماع خاوران و مراسم پوینده و مختاری، به پیش گام برمیدارد. تشکیلات خارج کشور حزب باید خود را برای این دوره سرنوشت ساز آماده کند. کارهای زیادی در پیش داریم. *

مبارزات دانشجویان در خارج کشور است و تاکید بر امکان پذیری جلب حمایت گسترده بین المللی از مبارزات مردم ایران است که در پلاتفرم فعالیت تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران بر آن تاکید شده است.

مبارزات مردم ایران برای آزادی و برابری بیش از پیش توجه مردم در سراسر جهان را بخود جلب میکنند. نیروی عظیمی در سراسر جهان میتواند به حمایت از مبارزات مردم ایران به میدان بیاید. این نیرو قادر است جمهوری اسلامی را تحت فشار بیش از پیش قرار دهد. مبارزه مردم در ایران با اتکا به آن میتواند با قدرت بیشتر به پیش گام برمیدارد. این نمونه های فوق لازم است همه جا تکرار شوند. فعالیت در خارج برای جلب حمایت بین المللی از مبارزات مردم باید گسترش یابد. این هم ممکن است و هم لازم. برای تحقق این امر باید هدفمندتر و با انرژی بیشتر کار کنیم.

Tel: 0046-739318404
Fax: 0046- 8 6489716
markazi.wpi@gmail.com

دفتر مرکزی حزب

www.wpiran.org :سایت حزب
www.rowzane.com :سایت روزنه
www.anternasional.com :نشریه انترناسیونال
www.newchannel.tv :سایت کانال جدید
markazi@ukonline.co.uk :آدرس تماس با حزب
تلفن و فاکس برای تماس با حزب:
Tel: 0044-7950 517 465
Fax: 0044-8701 351 338

انجمن مارکس کانادا برگزار میکند

موضوع: حزب و حزیت

(سمینار دوم)

رئوس بحث: هویت و ضرورت وجودی حزب برای طبقه کارگر. خصلت طبقاتی حزب. حزب و جنبشهای اجتماعی. تبیین کمونیسم کارگری از حزب. حزیت، علنیت، فردیت. مکانیسمهای تصمیم گیری و عملکرد حزبی (اتحاد سیاست و اجرای سیاست). حزب و شخصیتها. ساختار تشکیلاتی حزب (رهبری، کادرها، اعضا). حزب و جامعه، حزب و قدرت سیاسی، حزب و انقلاب.

سخنران: حمید تقوایی

زمان و مکان جلسه بعدا به اطلاع خواهد رسید
ورودی: ۵ دلار
رود اعضا انجمن مارکس کانادا رایگان است
رود برای عموم آزاد است

marx_can1@yahoo.com
مسئول انجمن مارکس کانادا: محسن ابراهیمی

از صفحه ۱ فقر و فلاکت دیگر بس است

از صفحه ۱

چرخش به چپ در ...

قوا به خیابانها آمده و تلاش میکنند کنترل سیاسی جامعه را بدست خود گیرند. همین مردم هستند که در مقابل احزاب کنسرواتیو و راست، در مقابل کاندیداهای مترجع و میلیونی، به احزاب چپ، به شخصیتهای طرفدار عدالت اجتماعی روی می آورند. لولا در برزیل، شاوز در ونزوئلا، ایوو مورالس در بولیوی و رافائل کوررا در اکوادور از آخرین نمونه های این عرض اندام مردم آمریکای لاتین است.

روشن است که این احزاب تلاش میکنند اصلاحاتی در وضع مردم بوجود بیاورند و فاصله فقر و ثروت را کاهش دهند. اما از آنجایی که دنبال راه حل در بطن نظام موجود هستند، نمیخواهند به پایه های اصلی تولید فقر و محرومیت یعنی نظام سرمایه داری دست ببرند، نمیخواهند از سیستمی که فقر و ثروت را تولید و باز تولید میکند فراتر بروند، نخواهند توانست به نابرابری در این جوامع تقطه پایانی بگذارند. این البته موضوع مهم دیگری است که از

جغرافیا راه انداختند. آمریکا علنا برای دفاع از منافع اقتصادی و سیاسی خود و برای از دست ندادن این کشورها به نفع بلوک شرق از هیچ کشتاری برحذر نکرده و سرمایه های کلانی را خرج این سیاستها کرد. از دهه ۸۰ تا کنون فقط در یک قلم آمریکا ۱۰۰ بیلیون دلار سرمایه صرف کرد تا مانع بقدرت رسیدن ساندنیستها شود. همان ساندنیستهایی که امسال توسط مردم نیکاراگوئه با پوزخندی تحقیر آمیز به سیاستهای خارجی آمریکا و علیرغم تهدیدها و التیامتومهایش به



قدرت رسیدند. وفور منابع طبیعی در این کشورها مانند قهوه، گاز طبیعی، و معادن و دستیابی انحصاری و مطلق سرمایه داری جهانی و مشخصا آمریکا به آنها نیز در این کشتار بی تقصیر نبوده و یکی از محرکهای اصلی پیشبرد این سیاست محسوب میشود. کارگران این کشورها که با کار شانه روزیشان این منابع را به محصول اجتماعی تبدیل میکنند، خودشان جزو فقیرترین و محرومترین مردم جهان هستند. بعنوان مثال قریب به ۵۰ میلیون نفر از جمیئت ۱۸۸ میلیونی برزیل با روزی کمتر از ۱ دلار مجبور به زندگی در حلبی آبادهای بوئنس آیرس هستند. همین مردم محروم و به تنگ آمده از اختلاف فاحش طبقاتی و بی عدالتی در جامعه هستند که با تمام

سرمایه داری توسط صندوق بین المللی پول و بانک جهانی برای گسترش سرمایه در سطح جهانی از جمله آمریکای لاتین اتفاق افتاد. این چرخش به چپ در حقیقت يك نه بزرگ توسط توده های کارکن این کشورها به محرومیت و فقری بود که سرمایه جهانی بر زندگیشان تحمیل کرده بود. يك نه به سیاستهای خارجی سرمایه داری آمریکا و دیکتاتورهای دست نشانده اش بود. این چرخش به چپ در متن رو در رویی کارگران آمریکای لاتین با نظام سرمایه داری به جلوی صحنه رانده شده است. شیلی، برزیل،

نیکاراگوئه، ونزوئلا، آرژانتین، اروگوئه، اکوادور و بولیوی از نمونه این کشورها هستند. ژنرال آگوستو پینوشه مظهر و سمبل کودتاهای خونین نظامی آمریکا برای جلوگیری از بقدرت رسیدن چپ در آمریکای لاتین بود. دهه های ۶۰، ۷۰، و ۸۰ از خونین ترین دهه های زندگی مردم در این منطقه بشمار میروند. CIA و پنتاگون در کشورهای این منطقه از طریق ژنرالهای تشنه به خون خود با تمام قوا و با قساوت کم نظیری به جان مردم بیگانهی که فقط خواستار آزادی، برابری و يك حکومت انسانی بودند افتاد. برای سالها يك زندگی غیر انسانی به مردم این منطقه تحمیل شد و قتل عامها پراه افتاد. کودتا در پی کودتا با هدف "تغییر رژیم" در کشورهای مختلف این

نیکاراگوئه، ونزوئلا، آرژانتین، اروگوئه، اکوادور و بولیوی از نمونه این کشورها هستند. ژنرال آگوستو پینوشه مظهر و سمبل کودتاهای خونین نظامی آمریکا برای جلوگیری از بقدرت رسیدن چپ در آمریکای لاتین بود. دهه های ۶۰، ۷۰، و ۸۰ از خونین ترین دهه های زندگی مردم در این منطقه بشمار میروند. CIA و پنتاگون در کشورهای این منطقه از طریق ژنرالهای تشنه به خون خود با تمام قوا و با قساوت کم نظیری به جان مردم بیگانهی که فقط خواستار آزادی، برابری و يك حکومت انسانی بودند افتاد. برای سالها يك زندگی غیر انسانی به مردم این منطقه تحمیل شد و قتل عامها پراه افتاد. کودتا در پی کودتا با هدف "تغییر رژیم" در کشورهای مختلف این

رها از فقر و محرومیت شکل گرفته است. برای رهایی کامل از فقر و محرومیت و خفقان به این حزب پیوندیم. مردم ایران، کارگران و زنان و جوانان میتوانند و مستحق هستند که دنیائی بهتر را در فردای پیروزی انقلاب بدست خود بسازند. با پیروزی جنبش سرنگونی طلبانه به رهبری

میکند. این واقعیت امروز جامعه ماست. همین پارسال بعد از انتخاب احمدی نژاد به ریاست جمهوری، تحت تاثیر اختلافات و کشمکش های داخلی جناحهای رژیم و بویژه مقابله جناح رفسنجان، در مطبوعات داخلی، صحبت از خروج دهها میلیارد دلار ثروت از ایران بطرف بانکهای دویی توسط سرمایه داران بود. این حجم ثروت خارج شده یعنی خروج دو سه بودجه سالانه جامعه بطور یکجا از کشور در يك دوره کوتاه، امروز ثروت سرمایه داران ایرانی در کشور دویی بالغ بر ۶۰۰ میلیارد دلار است. این ثروت انباشت شده، حاصل دسترنج طبقه کارگر، بخشهای محروم و کارکن مردم ایران است. این ثروت نتیجه اعمال بی حقوقی و فقر و فلاکت به میلیونها انسان در جامعه ایران است.

و اما وجه دیگر جامعه ایران، وجود جنبش سرنگونی طلبی در ایران است که تحت تاثیر جنبش طبقه کارگر و کمونیسم کارگری آن در حال پیشروی است و میرود که در آینده سرنوشت میلیونها انسان تشنه آزادی و برابری را بدست خود همین مردم رقم زده و تعیین کند. شاهد این مدعا، مراسم های اول ماه مه، روز جهانی زن، روز جهانی کودک و ۱۶ آذر در سالهای گذشته و بویژه امسال است. این مراسمها، با شعارها و قطعنامه های راییکال و سوسیالیستی شان نشان دهنده پیشروی آزادیخواهی و برابری طلبی، نشان دهنده پیشروی جنبش کمونیسم کارگری و حزب این جنبش یعنی حزب کمونیست کارگری است.

شدت دادن به اعتراضات هر روزه برای افزایش دستمزدها و علیه بیکاری و خواست بیمه بیکاری مکفی و علیه شرایط برده وار کار، گرد آمدن حول خواستهای سراسری و پیشبرد مبارزه ای قدرتمند و متحد حول خواستهایمان، تلاش برای تثبیت حق تشکل و حق اعتصاب بعنوان دو ابزار قدرتمند برای ابراز وجود ما در صحنه سیاسی جامعه از جمله گامهایست که ما را در موقعیت قویتری در این مبارزه قرار میدهد. اما برای رهایی کامل از همه این فقر و فلاکت، تنها يك راه در مقابل ماست: سوسیالیسم. حزب کمونیست کارگری برای پاسخ دادن به این نیاز، برای استقرار جامعه سوسیالیستی

جامعه امروز ایران شرایط بغایت سختی را میگذراند. فلاکت اقتصادی بی حد و حصر و به تبع آن، فقر و نداری و بیکاری لجام گسیخته، تن فروشی، اعتیاد و گذران زندگی از راه فروش مواد مخدر، جرم و جنایت و آدمکشی به جزئی جدایی ناپذیر از زندگی مردم در نکت سرمایه داری زیر سیطره حاکمیت وحوش اسلامی سرمایه داران در ایران تبدیل شده است. مشاهده عینی گوشه هایی بشدت تکان دهنده از چنین شرایط سخت، دل هر انسانی را برد می آورد. نگارنده این سطور به عنوان يك انسان کمونیست و فعال اجتماعی، که نمیتواند از کنار مسائل بی تفاوت عبور کند، چندی قبل در جریان زندگی خانواده ای قرار گرفتم که میتواند به مثابه مثالی زنده از شرایطی باشد که در بالا ذکرش رفت. این اتفاق از جمله هزاران موردی است که در جامعه امروز ما رخ میدهد و بعضا و از هر صدها یکی از روزنامه های دولتی هم سر در می آورد. موضوع این بود که:

کارگر بیکاری که ماههاست کارش را از دست داده است، به دوستش میگوید که واقعا خسته شده ام. دیگر نمیتوانم چکار کنم. آهی در بساط ندارم و دیگر زندگی برایم تمام شده است. فقط يك راه مانده است و آن خودکشی است. تصمیم گرفته ام که مقداری سم تهیه کنم و بدون اینکه زخم متوجه شود داخل غذا بریزم و کار را تمام کنم. به این شکل هر سه، زن، تنها فرزندم و خودم، از این زندگی لعنتی راحت میشویم. مرگ همه مان یکجا بهترین شکل خلاصی از این نکبتی است که گرفتارش هستیم.

چنین اتفاق و صحنه های مشابه و تراژیک در زندگی انسانها، در جامعه ای اتفاق میافتد که از نظر حجم منابع گاز در دنیا اول و منابع نفت در مقام دوم است. اگر بخواهیم تعبیر کاملتری بدهیم بدین معنیست که انسانهایی که بر بستری از ثروت قرار دارند، در فقر و فلاکتی بی حد و حصر زندگی میکنند. و این فقط و فقط محصول اقتصاد سرمایه داری و حکومت اسلامیش است. نظامی که این سطح بی حقوقی به جامعه ۷۰ میلیونی مردم ایران را در جهت تامین سود سرشار و انباشت سرمایه برای اقلیتی سرمایه دار انگل و مفت خور تحمیل

نابرابری، جامعه ای فارغ از استثمار انسان از انسان را تضمین میکنیم. میتوان و باید دنیای سیاه فقر و فلاکت سرمایه داری را به دنیای سوسیالیسم و خوشبختی انسان تبدیل کرد.

آینده از آن ماست. به حزب خودتان پیوندید.*

حزبی که میخواهد به هر گونه نابرابری نقطه پایانی بگذارد، سوسیالیسم فورا امکان پذیر است. جامعه ایران، دیگر نمیتواند این همه فقر و فلاکت را تحمل کند. ما کمونیستهای کارگری با هدایت و رهبری حزمان، امکانپذیری و ساختن جامعه سوسیالیستی، جامعه ای انسانی و بری از هرگونه تبعیض و